بسم الله الرحمن الرحیم

[روایات باب سب 1](#_Toc426276605)

[مرور بحث گذشته 1](#_Toc426276606)

[مرور دو قاعده در این باب 1](#_Toc426276607)

[مرور بحث آستانه تحمل 2](#_Toc426276608)

[ریشه بحث 2](#_Toc426276609)

[شاخصیت ملاک عرفی 2](#_Toc426276610)

[وجه سوم 3](#_Toc426276611)

[جمع بندی 3](#_Toc426276612)

[تطبیق بحث 3](#_Toc426276613)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc426276614)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc426276615)

# روایات باب سب

# مرور بحث گذشته

در بحث سابق بیان شد که اگر دشنامی متوجه فرد شود و در غیر از محدوده زنا باشد، در اینجا سه طائفه روایات داریم که به حکم این فرض پرداخته‌اند. روایات دسته دوم و سوم بیان شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

# مرور دو قاعده در این باب

گفته شد که؛ فقها معمولاً قائل شدند به اینکه در سب و دشنام تعزیر وجود دارد. این قاعده‌ای است که با قطع نظر از اختلاف موجود تعزیر در مطلق معاصی، در ایذای مسلم طبق این ادله تعزیر وجود دارد. در جلسه پیشین دو قاعده نیز بیان شد و به‌اجمال به رابطه آن دو پرداخته شد. در این میان قاعده دوم که قاعده ایذای مؤمن باشد از مقبولیت بیشتری برخوردار است.

شاید بتوان گفت نسبت به طایفه دوم اجماعی وجود دارد ولی قاعده اولیه مورد اختلاف است، مشخصاً امثال آقای گلپایگانی یا آقای خوانساری روی آن شک دارند. البته در اصل این قاعده بحثی نیست که دارای مستندات متقن و قابل‌اعتمادی است.

# مرور بحث آستانه تحمل

از جمله نکاتی که ذیل این قاعده مطرح بود، این بوده؛ افرادی هستند که آستانه تحملشان از آن سطح عرفی متفاوت است. مثل نقطه‌جوشی که در مواد متفاوت است، ارواح جان‌ها و روان‌های انسان‌ها به لحاظ نقطه‌جوششان، آستانه تحملشان متفاوت است. حد متعارفی وجود دارد که در برخی موارد افراد به صورت متعارف ناراحت می‌شوند. در آن‌ها تعزیر وجود دارد. اما اگر افرادی غیرمتعارف بودند، این محل بحث بود. از دو طرف قضیه، افراد غیرمتعارف پیدا شدند، یعنی کسی که با اندک چیزی ناراحت می‌شود او بالعکس یعنی جاهایی که فرد به این سادگی از کوره در نمی‌رود. هر دو طرف محل بحث است که آیا ایذاء در این دو موضع تعزیر دارد یا خیر؟

## ریشه بحث

گفتیم که در این بین باید دید در اینجا ایذای فعلی مراد است یا شاخص ایذای نوعی است؟

 پس در واقع روح سؤال برمی‌گردد به سؤال اصولی‌تری که ملاک در تعزیر، ایذاء شخصی است یا ایذاء نوعی؟ نظیر این موضوع در نقاط متعددی از فقه وجود دارد.

## شاخصیت ملاک عرفی

جوابی که در اینجا داده شده، این است که این خطابات القای به عرف می‌شود و از خطابات، موضوعات عرفی متفاهم است و ملاک در این‌ها همان عرف عام است. و عرف عام هم در اینجا این است که ما یوذی المسلم یعنی آنچه که در میان معمول مردم و جامعه به عنوان ایذاء تلقی می‌شود. اما شرایط خاصی که یک فرد به صورت غیرمتعارف دارد، آن را دیگر شامل نمی‌شود.

همان‌طور که اشاره شد، در ایذای مسلم دو دلیل داریم. برخی ادله ایذاء را تکلیفاً تحریم کرده است. روایات آن در کتاب العشره در باب امربه‌معروف و نهی از منکر جلد یازدهم آمده است که؛ ایذاء، اهانت، تحقیر و استهزاء او حرام است. یک دسته روایات وجود دارد که قائل است علاوه بر اینکه حرام است، تعزیر هم دارد. در هر دو مورد؛ چه حرمت ایذاء، چه ترتب تعزیر بر ایذاء، قاعدتاً منظور همان چیزی است که عرفاً موجب ایذاء است.

## وجه سوم

 وجه سومی نیز در اینجا وجود دارد که؛ ملاک ایذاء نوعی است.

وجه دوم در موردی بود که فرد به خطر حساسیت بالا مورد ایذاء قرار گرفته است، لذا تعزیری محقق نخواهد شد. اما در وجه سوم ناظر به هر دو جنبه از موارد غیرمتعارف است؛ چه مورد رنجش سریع و چه در موردی که برای فرد در موارد متعارف نیز رنجشی حاصل نمی‌شود، در هر دو گفته می‌شود که؛ تعزیر وجود ندارد چراکه هر دو غیرمتعارف هستند.

## جمع بندی

در قبال این راه، جای تأملی وجود دارد و در کنار این، راه سومی وجود دارد که بدان متعرض نشده‌اند که گفته شود؛ در قبال فرد زودرنج تعزیر وجود ندارد. در این میان نیز اگر ملاک را نوعی قرار دهیم، در قسم اول برخلاف قسم دوم تعزیر وجود ندارد. پس در حقیقت آنچه که موجب تعزیر می‌شود شأنیت ناراحتی است که در آن فرد عرفا و بالفعل حاصل گردد.

## تطبیق بحث

آنچه که در کلمات آقای گلپایگانی و خوانساری و صاحب جواهر آمده است، تردد بین این دو احتمال است. بنابر احتمال اول، صورت اول تعزیر دارد و حرام است. صورت دوم تعزیر نداشته اما بنابر احتمال دوم به عکس می‌شود و باید در آن تعزیر اجرا شود، چون عرفاً مردم در آن حالت ناراحت می‌شوند. اما در صورت اول تعزیر ندارد. احتمال سومی که وجود دارد، این است که بگوییم ملاک جمع این دو است. آن چیزی که عرفاً موجب ناراحتی می‌شود، حاصل شده و در مورد هم فعلیت پیدا کرده است، به همین خاطر موجب تعزیر شده و حرام است. لذا این دو ملاک باید جمع بشود. اولاً عرفاً موجب ناراحتی این شخص بشود، بنابراین در قسم اول تعزیر نمی‌شود. ثانیاً باید در مورد هم فعلیت پیدا کند. چون ظاهر ایذاء ایذاء شأنی نیست، ایذاء فعلی است. یعنی باید همین الان این شخص ناراحت بشود.

## اتخاذ مبنا

آنچه که بیشتر به ذهن می‌رسد این بوده که این احتمال سوم صحیح است، یعنی آنچه که شأنا می‌تواند موجب ناراحتی فرد بشود و بعید نیست که ظاهر خطاب نیز این امر باشد. شاید در برخی موارد بتوان نهی از منکر امری را ثابت کرد اما تعزیر غیر از نهی از منکر است. یکی از علل موجود در تعزیر حفظ انتظام جامعه است.

کسی قول سوم را مطرح ننموده، لذا اگر آن را اخذ نکنیم، می‌توان قول دوم را پذیرفت که مشهور بیشتر به آن سوق دارند. دیروز نیز اشاره شد که در اینجا مطلق ایذاء مراد نبوده بلکه مراد درجات بالا و خاص آن می‌باشد. روایاتی که دیروز نقل شد، ظهور در مطلق ایذاء داشت، این ظاهر اولیه آن‌ها بود، اما سؤالی که وجود دارد این است که این ظاهر تا پایان نیز حفظ می‌شود؟

## نتیجه‌گیری

گرچه ظاهر کلام به صورت اولی همان اطلاق است، اما حقیقت مسئله این است که خیلی از اوقات مراتبی از آن به عنوان شوخی در میان دوستان مطرح می‌شود لذا نمی‌توان حکم به اطلاق آن داد و از جمله ایذاءهای کاملاً متعارفی است که در شبانه‌روز وجود دارد. لذا این ظاهر اولیه به موارد اعلای آن انصراف پیدا می‌کند. در موارد شک نیز تکلیف مشخص بوده و نمی‌توان تعزیر را انجام داد.